

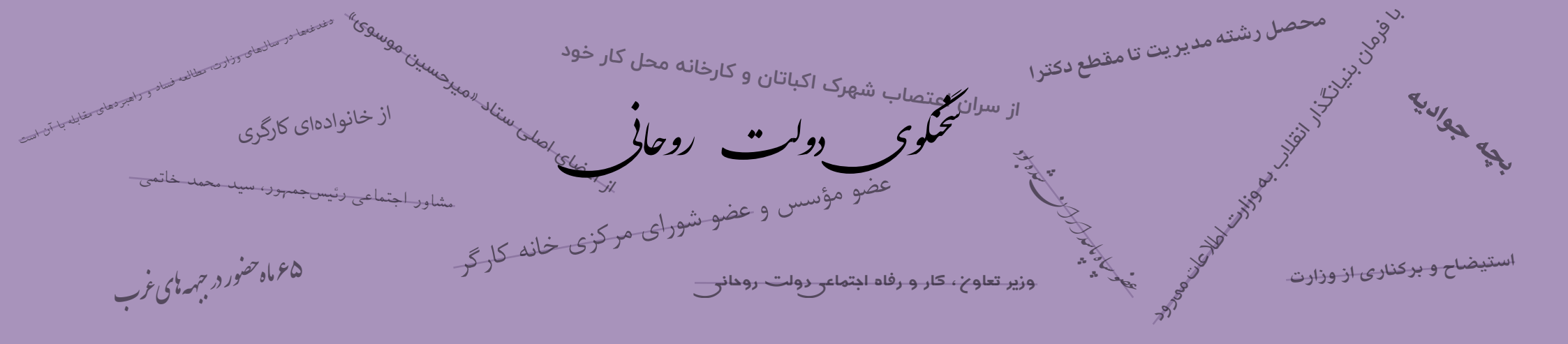


ویژه‌نامه روز دانشجو

وقت حسابرسی

ساعت ۱۳:۳۰ سالن جابر ابن حیان

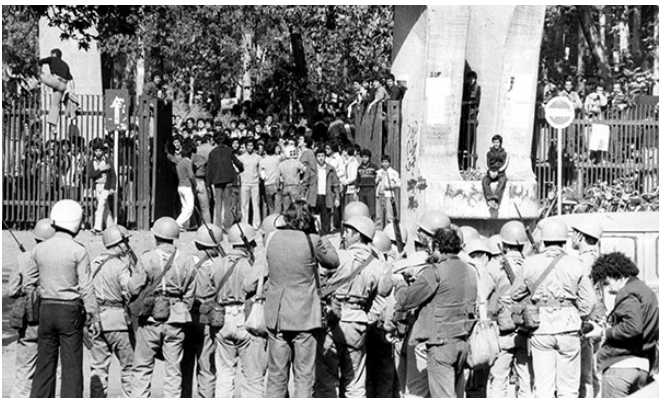
امروز ۱۹ آذر ماه



که مانند دشنه در قلب‌ها فرو رفت و از چشم بیش‌تر دانشجویان اشک جاری شد. ناله‌های بلند سوزناک می‌فهماند که عده‌ای مجروح شده‌اند و در همان‌جا افتاده‌اند. اولیای دانشکده، مستخدمان و چند نفری از دانشکده پزشکی می‌خواستند مجروحان را به درمانگاه برده و معالجه کنند؛ ولی سربازان با تهدید به مرگ مانع این کار شدند. بدن مجروحان حدود دو ساعت در وسط دانشگاه افتاده بود و خون جاری بود تا بالاخره جان سپردند. بدین ترتیب سه نفر از دانشجویان (بزرگ‌نیا، قندچی و شریعت رضوی) شهید و بیست‌وهفت نفر دستگیر و عده زیادی مجروح شدند.

خب حالا که معنای حقیقی ۱۶ آذر را فهمیدیم و متوجه شدیم که این روز نباید در ذهن ما محدود به روزی باشد که دانشگاه کباب بختیاری و دلستر می‌دهد (که البته دمش گرم!)، به این سوال می‌رسیم که چطور بایدخون این ۳ شهید را جبران کرد؟ ۳ دانشجوی ایرانی در مسیر مخالفت با دخالت بیگانه در امور داخلی کشورشان، جان‌شان را از دست دادند و حالا وظیفه من به عنوان یک دانشجو در ۶۶امین سالگرد این واقعه چیست؟

هر ساله در روز ۱۶ آذر، دانشگاه‌های مختلف کشور میزبان طیف گسترده‌ای از مسئولین کشور هستند تا به مطالبات دانشجویان در حوزه‌های مختلف پاسخ دهند. امسال نیز بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف با دعوت از مسئولین مختلف از بازه زمانی ۱ ماه پیش تا کنون از هیچ یک از مقامات کشوری جواب مثبتی دریافت نکرده بود تا اینکه در روز یکشنبه ۱۷ آذرماه دکتر علی ربیعی، سخنگوی دولت دوازدهم، آمادگی خود را برای حضور در جمع دانشجویان این دانشگاه به مناسبت روز دانشجو و شنیدن صحبت‌های آنان اعلام کردند که از ایشان متشکریم. امیدواریم این سنت در همه دانشگاه‌های کشور و در بین همه‌ی مسئولین به عنوان «روز مطالبات دانشجویان» و یا روز «پاسخگویی مسئولین» رواج یابد و آن ۳ شهید، ثمره‌ی جان‌فشانی‌شان را دیده باشند.



در این گیر و دار دو دانشجوی رشته ساختمان به حضور نظامیان در دانشگاه اعتراض می‌کنند. ارتشی‌ها برای دست‌گیری آنان وارد کلاس درس مهندس شمس در دانشکده فنی می‌شوند تا دانشجویان معترض را دستگیر کنند؛ وقتی مهندس شمس نسبت به حضور نظامیان در کلاس درس خود اعتراض می‌کند او را با مسلسل به جای خود می‌نشانند و حتی با شکنجه‌ی مستخدم دانشکده سعی می‌کنند که آن دو دانشجو را بیایند.

رئیس وقت دانشگاه تهران برای اینکه جلوی ناآرامی‌ها را بگیرد، کل دانشگاه تهران را تعطیل کرد. حضور نظامیان در صحن دانشکده فنی باعث شد که بین نظامیان و دانشجویان، زد و خورد شود. عده‌ای از سربازان، دانشکده فنی را به صورت کامل محاصره کرده بودند تا کسی از میدان نگریزد. آنگاه دسته‌ای از سربازان با سر نیزه از در بزرگ دانشکده وارد شدند.

اکثر دانشجویان به ناچار پا به فرار گذاشتند تا از درهای جنوبی و غربی دانشکده خارج شوند. در این میان بغض یکی از دانشجویان ترکید و او که مرگ را به چشم می‌دید و خود را کشته می‌دانست دیگر نتوانست این همه فشار درونی را تحمل کند و آتش از سینه پرسوز و گدازش به شکل شعاری کوتاه بیرون ریخت: «دست نظامیان از دانشگاه کوتاه!». هنوز صدای او خاموش نشده بود که رگبار گلوله باریدن گرفت و چون دانشجویان فرصت فرار نداشتند، به کلی غافل‌گیر شدند و در همان لحظه اول، عده زیادی هدف گلوله قرار گرفتند. به خصوص که بین محوطه مرکزی دانشکده فنی و قسمت‌های جنوبی، سه پله وجود داشت و هنگام عقب‌نشینی، عده زیادی از دانشجویان روی پله‌ها افتاده، نتوانستند خود را نجات دهند؛ مصطفی بزرگ‌نیا به ضرب سه گلوله از پا درآمد. مهندس مهدی شریعت رضوی که ابتدا هدف قرار گرفته بود، به سختی مجروح شده بود و بر زمین می‌خزید و ناله می‌کرد؛ و دوباره هدف گلوله قرار گرفت. احمد قندچی حتی یک قدم هم به عقب برنداشته و در جای اولیه خود ایستاده بود و از گلوله باران اول مصون مانده بود که یکی از جانیان «دسته حاجیباز» با رگبار مسلسل سینه او را شکافت.

بعد از پایان درگیری‌ها احمد هنوز زنده بود؛ او را به یکی از بیمارستان‌های نظامی تهران منتقل کردند. در حالی که در درگیری‌ها لوله شوماژر در مقابل احمد ترکیده بود و آب جوش تمام سر و صورت او را به شدت مجروح کرده بود، با این حال مسئولان بیمارستان از مداوا و حتی تزریق خون به او ابا کردند و ۲۴ ساعت بعد او مظلومانه شهید شد.

مظلومیت قندچی به حدی بود که حتی بعد از شهادت، به خانواده‌اش گفته بودند که احمد را با دو شهید دیگر در امام زاده عبدالله دفن کرده‌اند. برادر شهید قندچی گفت: «بعد از این که فهمیدیم احمد را در مسگر آباد دفن کرده‌اند با خانواده شریعت رضوی و بزرگ نیا به مسگر آباد رفتیم و قبر شهید را نبش کردیم و او را مخفیانه به امام زاده عبدالله بردیم و در آنجا در کنار دوستانش به خاک سپردیم.»

در جریان درگیری ۱۶ آذر عده زیادی از دانشجویان که تحت فشار و حمله قرار گرفته بودند، به ناچار به آزمایشگاه پناه بردند. پس از ختم گلوله‌باران، سکوت دانشکده را فرا گرفت. ناگهان میان سکوت، ناله بلندی به گوش رسید

داستان ۱۶ آذر



به قلم شهاب شفائی

ورودی ۹۷ مهندسی برق

۱۶ آذر سال ۳۲ بود؛ نه! دو ماه قبل از آن، ۱۶ مهر ۳۲.

بیشتر از ۵۰ روز از کودتای آمریکایی ارتشبد زاهدی نگذشته بود. مردم هنوز درک کودتا برایشان سنگین بود. اولین تظاهرات یک پارچه مردم علیه رژیم کودتا در همین روز اتفاق افتاد. دانشگاه و بازار به طرفداری از تظاهرکنندگان اعتصاب کردند. تظاهرات به قدری سنگین بود که کودتاچیان وارد معرکه شدند و طاق بازار را بر سر بازاریان خراب کردند و دکان‌های آنان را به وسیله مزدوران خود غارت کردند.

در تاریخ ۲۴ آبان اعلام شد که نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا از طرف آیزنهاور به ایران می‌آید. نیکسون به ایران می‌آمد تا نتایج «پیروزی سیاسی امیدبخشی را که در ایران نصیب قوای طرفدار تثبیت اوضاع و قوای آزادی شده است» ببیند. دانشجویان مبارز دانشگاه نیز تصمیم گرفتند که هنگام ورود نیکسون، نفرت و انزجار خود را به دستگاه کودتا نشان دهند. وقوع تظاهرات هنگام ورود نیکسون حتمی می‌نمود.

رژیم شاه برای مسلط شدن بر اوضاع و حفظ سلامت (!) سفر نیکسون نیروهای نظامی خود را در دانشگاه مستقر کرد. روز ۱۵ آذر یکی از دربانان دانشگاه شنیده بود که تلفنی به یکی از افسران گارد دانشگاه دستور می‌رسد که باید دانشجویی را شقه کرد و جلوی در بزرگ دانشگاه آویخت که عبرت همه شود و هنگام ورود نیکسون صداها خفه گردد و جنبنده‌ای نجنبند...

صبح شانزده آذر، هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق‌العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شده بودند و وقوع حادثه‌ای را پیش بینی می‌کردند.

دانشجویان حتی‌الامکان سعی می‌کردند که به هیچ وجه بهانه‌ای به دست بهانه جوین ندهند. از این رو دانشجویان با کمال خونسردی و احتیاط به کلاس‌ها رفتند و سربازان به راهنمایی عده‌ای کارآگاه به راه افتادند. ساعت اول بدون حادثه مهمی گذشت و چون بهانه‌ای به دست آنان نیامد، به داخل دانشکده‌ها هجوم آوردند؛ از پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم عده زیادی را دستگیر کردند. چون احتمال وقوع حوادث وخیم‌تری می‌رفت، لذا برای حفظ جان دانشجویان، دانشکده را تعطیل کردند و به آنها دستور دادند به خانه‌های خود بروند و تا اطلاع ثانوی در خانه بمانند.

دانشجویان نیز به پیروی از تصمیم اولیای دانشکده، محوطه دانشگاه را ترک می‌کردند ولی هنوز نیمی از دانشجویان در حال خروج بودند که ناگاه سربازان به دانشکده فنی حمله کردند. بهانه حمله آنان به دانشکده ظاهراً این بود که

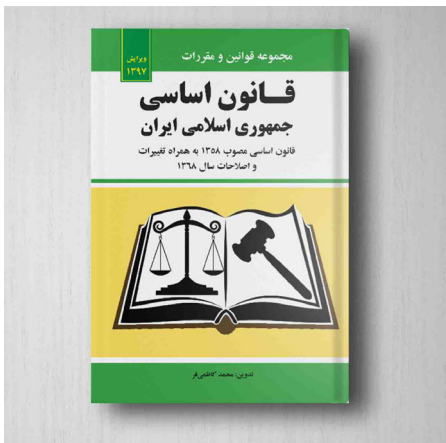
تصمیم‌های سخت

زمین بازی دولت را بشناسید

غریق به هر چوب خشکی چنگ می‌زند

روحانی در برابر مردم و جناح‌ها گوشه‌ی رینگ قرار گرفته.

چند روز پس از ماجرای بنزین، سخنگوی دولت در یادداشتی پس از نالیدن از تحریم می‌نویسد: «جمهوری اسلامی در یکی از سخت‌ترین دوران‌های حیات سیاسی خود است و نیازی فزاینده به اخذ تصمیم‌های سخت پیدا می‌کند.» استراتژی دولت امروز «چنگ» است. چنگ زدن به دوقطبی‌های سیاسی و چنگ کشیدن به قانون اساسی. استراتژی همیشگی بازنده‌ها در جمهوری اسلامی.



آینده چگونه است؟

امروز سخنگوی دولت به شریف می‌آید و باید درمورد گذشته پاسخگو باشد؛ اما مهتر از آن بیان استراتژی جدید دولت است. آیا دولت با در دست گرفتن شمشیر عدالت، رو به اصلاح اقتصاد از داخل، و با استفاده از ظرفیت همه‌ی افکار بدون درنظرگرفتن جناح بازی‌ها در همدلی ملی خواهد کوشید؟ یا قرار است با اصرار بر غرق‌شدن گروگان‌های خود، نظام و ملت را هم با خود به قعر دریا بکشاند؟



جنون نتیجه‌ی سرگشتگی‌ست

در رفتن کنترل سکان، همراه شد با از دست رفتن تنها برنامه‌ی اقتصادی دولت. میخ آخر به تابوت تکرار برجام را هم ظاهراً رهبر انقلاب می‌کوبد. حالا دولت مانده بدون حرف و بدون هیچ راه حلی و سکانی که در رفته.



مردم به شایعات توجه نکنند

اسفند ۹۷، خبر می‌رسد که خبری از افزایش قیمت بنزین نیست مردم نگران نباشند. دکتر کاظم جلالی، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس و از اعضای شورای سران قوا می‌گوید اگر تصمیمی گرفته شود حتماً به مردم خبر می‌دهیم، در جمهوری اسلامی اینگونه تصمیمات لحظه‌ای نیست و اگر قرار باشد تصمیمی گرفته شود حتماً مردم مطلع می‌شوند. اردیبهشت ۹۷ خبرسانی یک خبرگزاری از گران شدن بنزین تکذیب می‌شود. بعدتر رحمانی فضلی گفت قرار بود در همان تاریخ سهمیه‌بندی انجام شود. چهارشنبه ۲۲ آبان، آقای سخنگوی دولت می‌گوید جمع بندی نهایی درمورد قیمت بنزین را هفته آینده در همین تریبون تبیین خواهد کرد. هفته بعد آقای سخنگو به جای سناریوهای سهمیه‌بندی باید سناریوهای اتصال اینترنت را توضیح بدهد. اعتماد عمومی هم به استراتژی‌های از دست رفته دولت و سکان اقتصاد پیوست.

انرژی / تولید نفت و گاز / دوری از خام‌فروشی

۲۲ آبان ۱۳۹۸ ساعت ۰۶:۳۵ نسخه چاپی

سهمیه‌بندی بنزین شایعه است

وزیر نفت در واکنش به شایعه پراکنی در خصوص سهمیه‌بندی بنزین گفت: هر زمان دولت دستور درخصوص سهمیه‌بندی بنزین به وزارت نفت دهد آن را اجرا خواهیم کرد.

وزیر نفت همچنین درخصوص اینکه سهمیه بندی بنزین در سال جاری اتفاق خواهد افتاد یا خیر، توضیح داد: هر زمان دولت چنین دستوری به وزارت نفت دهد سهمیه‌بندی بنزین را آغاز خواهیم کرد.

وی تأکید کرد: در این رابطه شایعه‌پراکنی نشود چراکه مطالب منتشر شده در برخی رسانه‌ها نتیجه‌ای جز نگران کردن مردم ندارد. وزارت نفت هر وقت دستوری در رابطه با سهمیه‌بندی بنزین دریافت کند آن را به اطلاع مردم خواهد رساند.

به قلم محمدجواد ثقفی

ورودی ۹۵ مهندسی شیمی

بیست هزار آرزو

خرداد ۹۲، در نظرسنجی‌ها، یکی از نامزدها به طرز فوق‌العاده‌ای رشد آرا دارد؛ حسن روحانی با انتقادهای تند و ساختاری به دولت دهم، یارانه‌ها و سهمیه‌بندی‌ها، امید شیرینی در سر مردم می‌پروراند. برنامه‌ی او، ترکیبی از سیاست تش‌زدایی هاشمی و آزادی‌های اجتماعی خاتمی است. او هر روز از یک اتفاق صحبت می‌کند؛ از روزی که آن توافق به سر برسد تا همه‌ی مشکلات حتی آب خوردن مردم حل بشود؛ اما بالاخره اتفاقی که باید می‌افتاد، افتاد. اکنون مهم‌ترین دستاورد دولت برای انتخابات دور دوم عبارتست از برجام و تلگرام.



داروگ کی میرسد باران؟

در آستانه‌ی دو سالگی تولد برجام پس از پیروزی مجدد روحانی بار دیگر سیاست روحانی پیگیری برجام و آزادی تلگرام است. در کیفیت آن بحث است و قطعاً بدون ریشه‌ی امنیتی نیست؛ اما به هر طریق سرانجام صبر عمومی تمام می‌شود و نتیجه‌ی آن مرگ هر دو استراتژی دولت است: مرگ نوزاد برجام و فیلترینگ تلگرام.

